

# تحولات نگاه اصلاح طلبانه به سیاست خارجی

## علی شکوهی

مقوله «تغییر» در نگاه و مواضع اصلاح طلبان يك واقعیت انکارناشدنی است. این تغییرات را در مسائل گوناگون می‌توان نشان داد اما این روزها تغییر نگاه اصلاح طلبان در حوزه سیاست خارجی بیشتر مورد توجه است و به خصوص جریان رقیب سعی دارد این تغییر نگرش را برجسته کند و آن را نشانه بی‌ثباتی و تزلزل و فقدان اصول مبنایی در این جریان تفسیر کند و حکم به سازشکاری و عدول اصلاح طلبان از مواضع انقلابی بدهد. بنا دارم در يك سلسله نوشته به این موضوع از ابعاد گوناگون پردازم و نظراتم را در این باره تبیین کنم.

### سیاست خارجی انقلابی!

انقلاب اسلامی در عصري به پیروزی رسیده بود که نظم دو قطبی بر جهان حاکم بود و تعارض ایدئولوژیک میان سرمایه‌داری و مارکسیسم و تعارض سیاسی میان بلوک شرق به رهبری شوروی و بلوک غرب به رهبری آمریکا و تعارض نظامی میان پیمان ناتو و پیمان ورشو جریان داشت. در جهان دو قطبی کمتر کشوری می‌توانست مستقل بماند و در ذیل نفوذ یکی از دو ابرقدرت قرار نگیرد. حتی کشورهایی که خود را عضو جنبش عدم‌تعهد می‌دانستند در عمل به یکی از دو قطب سیاسی جهان متعهد بودند. در آن وضعیت می‌شد ردپای قدرت‌های بزرگ را در تمامی تحولات ریز و درشت جهان پی‌گرفت و نشان داد در بسیاری از تحولات کشورهای موسوم به جهان سوم، این ابرقدرت‌ها هستند که نقش اصلی را بازی می‌کنند و تعارض منافع ابرقدرت‌هاست که به شکل جنگ یا تجزیه و اعلام استقلال یا برنامه‌های خاص مرتبط با رشد و توسعه و توافقات اقتصادی در این کشورها ظهور پیدا می‌کند. در آن وضعیت دو قطبی حاکم بر جهان، جمهوری اسلامی تشکیل شد و طبعاً باید سیاست خارجی خود را با تکیه بر مبانی مورد قبول خود، تعیین و اجرا می‌کرد. جایگاه امام خمینی در میان انقلابیون ایران و شأن ایشان به عنوان بنیانگذار انقلاب و نظام سیاسی مبتنی بر ارزش‌های دینی، موجب شد که مبانی پایه در حوزه سیاست خارجی را هم ایشان با سخنان و مواضع خود تعیین کنند. در حیات امام خمینی(ره) اکثریت اصلاح طلبان کنونی در طیف سیاسی چپ دسته‌بندی می‌شدند و بیش از نیروهای سیاسی موسوم به راست از مواضع

ایشان دفاع می‌کردند و به همین دلیل مواضع امام در سیاست خارجی را باید همان مواضعی دانست که مورد قبول جریان چپ بود. با مرور مواضع امام، می‌توان موارد زیر را به عنوان اصول پایه در سیاست خارجی برشمرد:

۱- نفی سلطه و وابستگی: حتی از قبل از پیروزی انقلاب، مهم‌ترین آرمان در حوزه سیاست خارجی، حفظ استقلال و نفی سلطه ابرقدرتها و وابستگی به این کشورها اعلام شد. این هدف از متن تعالیم دین استخراج شده و در شعار «نه شرقی و نه غربی» تبلور یافته بود. امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «ما با همه ملت‌های عالم می‌خواهیم دوست باشیم. با همه دولت‌های عالم به حسب طبع اولی می‌خواهیم دوست باشیم. می‌خواهیم که روابط حسنه، با احترام متقابل نسبت به همه داشته باشیم، مگر اینکه دولت‌هایی باشند که با ما خلاف رفتار کرده باشند و بخواهند به ما ظلم بکنند، تحمیل بکنند، سلطه‌جویی کنند بر ما، که ما با آنها مخالف هستیم و هرگز اجازه نخواهیم داد که آنها دخالتی در مملکت ما بکنند و آن سلطه‌جویی‌هایی که آن وقت می‌کردند، بکنند و با آنها البته نمی‌توانیم روابط داشته باشیم.»

امام خمینی (ره) در تفسیر و معنای شعار «نه شرقی و نه غربی» می‌گویند: «شعار نه شرقی و نه غربی ما شعار اصولی انقلاب اسلامی در جهان گرسنگان و مستضعفین بوده و ترسیم‌کننده سیاست واقعی عدم تعهد کشورهای اسلامی و کشورهای بی‌ایست است که در آینده نزدیک و به یاری خدا، اسلام را به عنوان تنها مکتب نجات‌بخش بشریت می‌پذیرند و ذره‌ای هم از این سیاست عدول نخواهد شد و کشورهای اسلامی و مردم مسلمان جهان نباید وابسته به غرب و اروپا و آمریکا و نه وابسته به شرق و شوروی باشند... و کسی گمان نکند که این شعار، شعار مقطعی است که این سیاست، ملاک عمل ابدی مردم ما و جمهوری اسلامی ما و همه مسلمانان سرتاسر عالم است.»

از همین دو فراز سخنان امام چنین برداشت می‌شود که نفی «سلطه» به معنای نفی «رابطه» نیست زیرا وجود روابط سیاسی و اقتصادی میان کشورهای جهان، یک ضرورت و غیرقابل اجتناب است و در عمل هم امام خمینی به همین برداشت از استقلال و نفی سلطه وفادار بوده‌اند.

2- گسترش اسلام و حاکمیت مسلمانان در جهان: دعوت مسلمین به کسب قدرت سیاسی و گسترش حوزه نفوذ اسلام، هم مقدمه و راهی برای نفی سلطه بیگانگان است و هم نشان دادن بدیل و جایگزین برای نظام‌های وابسته سیاسی و این هدفی بود که در آرای امام خمینی بسیار پررنگ بوده است. ایشان در سخنانی گفته بودند: «ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌المللی اسلامی‌مان بارها اعلام نموده‌ایم که

درصد گسترش و نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهانخواران بوده و هستیم. حال اگر نوکران امریکا نام این سیاست را توسعه‌طلبی و تفکر تشکیل امپراتوری بزرگ می‌گذارند از آن باکی نداریم و استقبال می‌کنیم.» امام خمینی حتی از این حد هم فراتر رفته و از بسیج همه مسلمانان در جهان سخن به میان آورده بودند: «باید بسیجیان جهان اسلام در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشند و این شدنی است چرا که بسیج تنها منحصر به ایران اسلامی نیست. باید هسته‌های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد.»

البته از متن کلام امام خمینی این معنا قابل استنتاج است که ایجاد حکومت بزرگ اسلامی در دنیا به شیوه نظامی و با اعمال زور صورت نمی‌گیرد بلکه ما در قدم اول تنها به گسترش تعالیم و فرهنگ دینی اقدام می‌کنیم اما معلوم است که در صورت استقبال مردم مسلمان جهان از این آرمان، ما با مقاومت ابرقدرت‌ها و کشورهای مرتبط با آنها مواجه می‌شویم که در آن صورت هم تکلیف روشن است: «اگر جهانخواران بخواهند در مقابل دین ما بایستند ما در مقابل همه دنیای آنها خواهیم ایستاد و تا نابودی تمام آنان از پای نخواهیم نشست.»

3- دفاع از مظلومان و صدور انقلاب: از قطعی‌ترین تعالیم و فرامین اسلامی برای هر مسلمان، اهتمام به امور مسلمانان و دشمنی با ظالمان و دفاع از مظلومان است و به همین دلیل این اصل در سیاست خارجی نظام ما نیز حضور پررنگی پیدا کرد. در این باره امام خمینی(ره) چنین گفته‌اند: «ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم. ما اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاد جهان است و کشور ایران به عنوان يك دژ نظامی و آسیب‌ناپذیر، نیاز سربازان اسلام را تأمین و آنان را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین به اصول و روش‌های مبارزه علیه نظام‌های کفر و شرک آشنا می‌سازد.»

مفهوم صدور انقلاب هم در راستای دفاع از محرومان دنیا و دستگیری از کسانی است که در مبارزه خویش، به اسلام و کشورهای مسلمانان پناه می‌آورند و به دستاوردهای فکری و عقیدتی ما در شکل‌دهی به اندیشه و سازمان مبارزاتی خویش محتاجند: «ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می‌شکنیم و با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی(ص) است، به سیطره و سلطه و ظلم جهانخواران خاتمه می‌دهیم.»

بنابراین روشن است که در اندیشه امام خمینی، نمی‌توان از يك انقلاب اسلامی در چهارچوب مرز ملی کشورمان سخن گفت زیرا اساساً در جهان

به هم پیوسته کنونی که همه دولت‌ها، حوزه امنیت ملی و چهارچوب  
منافع ملی را به بیرون از مرزهای جغرافیایی خود می‌کشانند، انقلاب  
ما نیز با تکیه بر اعتقادات اسلامی، قطعاً به کل جهان و دست کم  
کشورهای مسلمان نظر دارد. ادامه دارد

□□□□□□ 1400 □□□ 21 □□□□□□ □□□□□□□□□□